

تحلیلی جامعه شناختی از اسلام در قفقاز شمالی



مکاتب کاملاً فراموش شده مارکسیست و لنینیست، هر مذهبی را مانند اعتیاد برای مردم می خواندند و باورهای دینی را مانعی در راه رسیدن به خوشبختی بشریت تصور می کردند. با این وجود این مکاتب نقش بسیار برجسته مذهب را به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم به رسمیت شناخته و پذیرفتند که مذهب نه تنها در شکل گیری ارتباط اجتماعی و اخلاقی جامعه موثر است بلکه وجود آن در هر عصری با ارزش قلمداد می گردد.

اصول جهان بینی، یکپارچگی و نظم، از مبانی اصلی دین هستند، نقش و معنای آنها با توجه به بستر تاریخی و خصوصیات این یا آن دوره تغییر می کند. مذهب به عنوان فرم مخصوص ساختار جامعه، مجموعه ای از ایده ها و ارزش های معنوی ارائه می دهد و نقش مهم خود را در زمان های سختی و بحران ایفا می کند، زمانی که مفاهیم سنتی در خصوص خیر و شر، درهدف و معنای زندگی تجدید نظر جدی و ارزش گذاری دوباره می کنند. اگر در اروپا نمونه های تاثیر پذیرفته شده مسئله در تغییر شرایط اجتماعی و معنوی جامعه، جنبش گوستی یا فرم در چک می باشد، در قفقاز نمونه های واضح تری را می توان در شکل جنبش آزادی خواهانه گرتسو ها در میانه قرن ۱۹ برشمرد که در تاریخ روسیه عنوان "میوردیست" را دریافت کرد.

تحولات سیاسی و اقتصادی- اجتماعی که در روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ رخ داد، به شدت نقش مذهب را تقویت کرد و اهمیت این پدیده را به بخش قابل توجهی از مردم که از خلاء مذهب

رنج می بردند و به دنبال جایگزینی برای ارزش های جهان بینی ماتریالیستی - سوسیالیستی بودند ، نشان داد. در این بین نقش فاکتورهای مذهبی در قفقاز شمالی بسیار آشکار ، صریح و در عین حال سخت و مبهم بروز کرد.

ارزش های ایجاد شده مصرف و شعار های سوسیالیستی ملحدانه در جامعه مدرن روسیه ، سخت تر و مضر تر از تمامی سنت های محلی و طرز تفکر های خاص در قفقاز شمالی روزگار می گذراند. تبلیغات و رسانه های ارتباط جمعی تحمیل شده ، استانداردهای دست نیافتنی و وسیع مصرف، درد و رنج ناشی از بیکاری و دیگر مشکلات اجتماعی ، حالت اعتراض را به خصوص در بین جوانان ایجاد کرد. این موضوع ، انعکاس خود را در کاهش رضایت از دولت و در کل رشد افراط گرای مذهبی به همراه داشت. جالب توجه آنکه فرهنگ مادی گرایانه اجتماعی و اقتصادی ، بیشتر از دهان نمایندگان ارشد دولت روسیه شنیده می شود.

بدین ترتیب ، در آغاز سال ۲۰۱۰ خلوپنین ، رئیس آموزش ، در شهر جدید منطقه فدرال قفقاز شمالی در مصاحبه با روزنامه " خبر " در ژانویه سال ۲۰۱۰ ، قفقاز شمالی را با منطقه ای امن مقایسه کرد که لازم است تنها کلید درست را برداشت و تمامی مشکلات را حل کرد. چنین مقایسه ای به صراحت هم سیستم ارزش گذاری و ساختار تفکر مقامات ارشد روسیه و هم ارتباط آن با مدیریت او در منطقه را تحلیل می کند. در این بستر بیشتر از سخن وری ، به نظر می رسد آن شرایطی است که در زمره معضلات حاد منطقه قفقاز شمالی ، مردم محلی را به مسائل داوورینیسیم اجتماعی (۷۵٪ در نظر سنجی) و مسائل امنیت (۵۸٪ در نظر سنجی) مرتبط می کند. این آمار در جریان نظرسنجی اجتماعی در پایتخت های قفقاز شمالی به دست آمده و توسط آژانس اطلاعات «Caucasus Times» در سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ انجام شده است.

شرایط سخت اقتصادی- اجتماعی در منطقه قفقاز شمالی نه تنها ناشی از عملکردهای دولت فدرال بوده بلکه دولت جمهوری محلی نیز در آن نقش دارد. به عقیده تنی چند از کارشناسان ، سرمایه داری لجام گسیخته در

قفقاز شمالی و کلا در روسیه نه تنها مسائل مربوط به سوء استفاده های اقتصادی از بخش رسمی را حل نکرده بلکه آن را در واقع به وضعیتی بدتر و وحشتناک تر از زمان شوروی هل داده است. سرقت بودجه در تمامی سطوح - از دولت جمهوری گرفته تا شرکت های کوچک دولتی به میزان بی سابقه ای رسیده است. تراژدی اقتصاد قفقاز شمالی این است که بخش های دولتی آن به طرز وحشتناکی به عامل جرم تبدیل شده اند. دولت محلی مستقیماً منافع خود را در حمایت از سطح بالای موهبت های جمهوری خود می داند. مدل وابستگی اقتصادی به نفع رهبران فعلی این منطقه است، چرا که به آنها قدرت مالی داده و همچنین اهرم هایی برای تقویت مواضع در اختیارشان می گذارد.

دگوبو و ابراهیموف عقیده دارند، سیستم فعلی روسیه به طور جدی ارزش های لیبرال غربی را ترویج می کند و در حالی که رقابت آزاد را در بین مردم برای بدست آوردن مکانی زیر آفتاب فراهم می کند، تا حد زیادی نتیجه معکوس داده و باعث تحریک قفقاز شمالی می گردد. " بروز محرک های مخرب اجتماعی و فرهنگی و هنجارهای رفتاری که از دوران قبيله ای به جا مانده است از جمله عواملی است که در هر مطالعه اجتماعی بر روی مردمان قفقاز شمالی باید مورد نظر قرار گیرد .

در چنین شرایطی اسلام به عنوان ابزار اولیه اعتراض و بیان نارضایتی اجتماعی در بین جوانان شناخته می شود . به گفته حیدر جمال ، یکی از موسسان حزب اسلامی در روسیه " امروز اسلام نه تنها دینی در نگاه سنتی بوده بلکه ایده ثلوثی سیاسی همه جانبه ای است که از ضعف و مظلومان دفاع می کند. " به همین خاطر جوانان قفقاز شمالی به سمت اسلام گرایش می یابند و آن را به عنوان ایده ثلوثی سیاسی و ابزار مبارزه برای منافع اجتماعی می پذیرند و به تدریج از دولت وفادار به اسلام سنتی فاصله می گیرند در حالی که حقانیت دروغین آنها را رد می کنند و اسلام واقعی را معرفی می کنند. این برخوردها به مرور رادیکالی و حاد می شود، اشکال خشونت آمیز به خود گرفته و شدت می گیرد و پتانسیل عظیمی برای جنگ در قفقاز شمالی ایجاد می کند.

نمونه واضح آن ، قتل مفتی کاباردینو - بالکار پشیخاچف بود که عموم مردم را شوکه کرد. از سال ۱۹۹۸ ، افراط گرایان در قفقاز شمالی بیش از ۳۰ حمله به فعالین مذهبی اسلام در منطقه انجام داده اند.

حالت دیگر ، تحریک مردم قفقاز شمالی برای جلب توجه به اسلام می باشد که در واقع مشکل بزرگ ارتباطات قومی در روسیه معاصر است. به عقیده بسیاری از محققان جامعه شناس و قوم شناس، روسیه امروز ملغمه ای است که تعداد بیشمار اقوام روس را در هویت سیاسی مشترک روسیه با هم متحد می کند اما برعکس ، جریان تفکیک قومی بین نژاد ها، هویتی را پایه گذاری می کند که بر اساس ارزش های ملی نیست، بلکه بر اساس افسانه های نژاد پرستی و دشمن تراشی است. به این ترتیب در بین نوشته های اعتراضی بر روی نرده های اطراف مسکو در مسیر قطار برقی در این اواخر چنین شعار های تهاجمی با رویکرد روشن قومیتی مانند " روسیه - برای روس ها" به چشم می خورد . درعین حال در جمهوری های قفقاز شمالی " در تعدادی از کتاب های درسی با موضوع تاریخ ملت قفقاز که برای دانش آموزان و دانشجویان در نظر گرفته شده ، عمداً به ریشه های ناسیونالیستی و همچنین به موضوعات تاریخی ضد روسی و چشم انداز ضد روسیه پرداخته می شود و به تدریج جایگزین برنامه های آموزشی فدرال در علوم انسانی شده است. "

سهم قابل ملاحظه ای در بدتر شدن روابط قومی در روسیه بر عهده رسانه ها می باشد. این رسانه ها اغلب در نقش عوامل آشکار و صریح، تقویت کننده و شکل دهنده عادت های منفی قومی ظاهر می گردند. به عقیده چند کارشناس روابط سیاسی : " سکوت ده ساله رسانه ها در رابطه با ساکنین چچن به عنوان ملتی روس، به تقویت ایده ای که این جنگ ، جزء جنگ های داخلی نمی باشد بلکه این جمهوری کشوری دیگر است ، کمک می کند."

به گفته یکی از کارشناسان ، رسانه ها در تعریف مفهوم قفقاز در تفکرات جمعی ، به صورت ناخود آگاه نارضایتی طولانی مدت و بر طبق عادت را متبادر می کنند و همچنین به طور گسترده ای به تکرار این عبارات

می پردازند: "چهره ملت قفقاز" که در زیر آن عبارات "از ما نیستند"، "غریبه ها"، و اغلب "دشمن" قرار دارد.

آنچه که در حال حاضر در حال وقوع است، تحول تدریجی قومی ملت های قفقاز شمالی می باشد که اشکال مختلف دارد و فاکتورهای اسلامی و نقش آن در تاریخ ملل مختلف قفقاز شمالی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص می دهد.

برای چنین ساختاری در زمینه مهندسی فرهنگ قومی سعی می شود از ایدئولوژی خود مختار امارات قفقاز استفاده شود. در اینجا لازم است متذکر شویم که در چندین مورد اسلام موفق شد نقش کلیدی را در شکل گیری هویت قومی جدید ایفا کند که نمونه مشخص آن جمعیت اسلاو بوسنی است که به اسلام گرویده اند.

موارد گفته شده تنها چند نمونه ی انتخاب شده از پیچیدگی ها و جوانب مختلف اسلام در قفقاز شمالی کنونی است.

داده های منحصر به فرد حاصل از نظر سنجی عمومی انجام شده، سطح توجه جامعه قفقاز شمالی به اسلام، نقش آن در زندگی روزمره مردم قفقاز را نشان می دهند. این داده ها توسط خبرگزاری "CaucasusTimes" در ۵ مرکز جمهوری های قفقاز شمالی از جمله در چرکس (کاراچای - چرکسیا) در شهر نالچیک (کاباردینو - بالکاریا) گروزنی (چچن) نارزان (اینگوشتیا) ماخاچ قلعه (داغستان) بدست آمده است. در جریان این همه پرسی ها که طی سال ۲۰۱۰ برگزار شد در مجموع ۲۰۰۰ نفر مصاحبه شدند (۴۰۰ نفر در هر شهر).

پس از تحقیق و پژوهش های متعدد، پرسش هایی در خصوص سطح مذهب جمعیت مسلمان جمهوری های مختلف قفقاز شمالی، ارتباطشان با سایر مذاهب و وهابیون و همچنین در خصوص دیدگاه آن ها در باره اقدامات

نظامی آمریکا در عراق و افغانستان مطرح گردید. اطلاعات دریافتی تصاویر جالب و تا حدی متناقض را از نقش اسلام در منطقه قفقاز شمالی ترسیم می کند. این اطلاعات در عین این که تاثیر قابل توجه اسلام را بر مردم این منطقه گواهی می دهد، نشان دهنده تفاوت های جدی میان جمهوری های جداگانه قفقاز شمالی و درجه تعهد مردم به ارزش های اسلامی است.

بدین ترتیب در قفقاز شمالی ۶۲٪ از شرکت کنندگان در نظرسنجی به نقش مهم مذهب در زندگی مردم اعتقاد داشتند. این رقم در میان مردم چچن (۸۱٪) و اینگوش (۶۸٪) و همزمان در بین ساکنان کاباردینو-بالکار تنها ۴۲٪ بود.

ترکیب همه پرسى اجتماعى مذکور با نتایج مطالعات تحلیلی کارشناسان معروف در قفقاز شمالی، امکان ساخت تصویری دقیق تر از منطقه و درک بهتر روند توسعه قفقاز شمالی را فراهم می سازد.

جدول ۱

مذهب چه نقشی در زندگی شما دارد؟						
زیاد	نسبتاً زیاد	نسبتاً کم	کم	من کافر	نمی دانم	
۴۲	۳۵	۱۱	۶	۳	۳	کاباردینو-بالکار
۸۱	۱۳	۱	۰	۳	۲	چچن
۶۸	۲۷	۱	۰	۱	۲	اینگوش
۶۶	۲۶	۳	۲	۱	۲	داغستان
۵۲	۲۷	۱۲	۴	۲	۳	کاراچای-چرکس

۲	۲	۲	۶	۲۶	۶۲	میانگین کلی
---	---	---	---	----	----	-------------

نقض قوانین مسلمانان

فعالیت ساختارهای جهادی مختلف ، همگان را برای تشکیل یک حکومت موازی در جمهوری های قفقاز شمالی، با شعار " اسلام خالص " و آزادی کل قفقاز شمالی از بی دینی ، مطمئن تر می کند ، آنها تمامی توجه ویژه خود را به ذهن مردم قفقاز شمالی معطوف می کنند. بنابراین همه پرسى نظریات جامعه در مرکز قفقاز شمالی نشان می دهد که بخش اعظمی از مردم از رعایت حقوق مسلمانان در جمهوری خود ناراضی هستند. در کل قفقاز شمالی تعداد افرادی که تصور می کنند حقوق مسلمانان رعایت نمی شود و یا "تقریباً رعایت نمی شود" ۲۴٪ و در پایتخت چرکس ۳۲٪ می باشند. قابل توجه است که در جمهوری های غرب قفقاز شمالی تعداد افراد ناراضی از رعایت نکردن حقوق مسلمانان به طور جدی بیشتر از تعداد این افراد در جمهوری های شرق قفقاز است. در داغستان تعداد کلی افرادی که تصور می کنند حقوق مسلمانان در جمهوری شان رعایت نمی شود و یا نسبتاً رعایت نمی شود ۱۷٪ و در همسایگی چچن ۱۹٪ می باشند.

جدول ۲

آیا به حقوق مسلمانان در منطقه شما توجه می شود؟					
بله	نسبتاً بله	نسبتاً نه	خیر	نمی دانم	

کاباردینو-بالکار	۱۳	۳۵	۳۱	۵	۱۶
چچن	۵۴	۲۵	۱۰	۹	۲
اینگوش	۶۳	۱۷	۸	۵	۷
داغستان	۵۰	۲۷	۶	۱۱	۶
کاراچای-چرکس	۲۰	۳۰	۲۸	۴	۱۸
میانگین کلی	۴۰	۲۷	۱۷	۷	۹

یکی دیگر از واقعیت های جالب توجه این است که ارتباط با وهابیون در بخش غربی قفقاز شمالی نسبت به بخش شرقی به مراتب بیشتر مورد توجه است. ممکن است که این شرایط به علت نقض بیشتر آزادی مذهبی مسلمانان در کاباردینو-بالکار و کاراچای-چرکس، در مقایسه با سایرین که در بالا ذکر شده است، باشد.

در خصوص ارتباط مثبت و نسبتاً مثبت با وهابیت ۳۹٪ همه پرسشی ها در نالچیک مرکز کاباردینو - بالکاری و ۴۲٪ در چرکس مرکز کاراچوا-چرکس اعلام شده است ، در مرکز چچن گروزی این آمار به ۹٪ رسید ، اما در ماخاچ قلعه داغستان درباره دیدگاه مثبت خود به وهابیت ، سرشماری را اعلام نکردند.(جدول ۳)

چنین درصد کمی از کسانی که ارتباط مثبت خود را با وهابیت اعلام کرده اند در بخش شرقی قفقاز شمالی می تواند نشان دهنده تجربه شخصی منفی ارتباط متقابل با وهابیت و هم خود سانسوری واضح و ترس، مانع از بیان حقیقت به پرسش های خبرگزاری باشد. در هر صورت واضح است که ایده وهابیت گروهی ثابت از هواداران خود را دارد. علاوه بر این ، نظر سنجی ها به وضوح نشان می دهد که پایگاه اجتماعی برای گسترش وهابیت در

سالهای اخیر به طور جدی در جمهوری های قفقاز غربی توسعه یافته است جایی که سطح توجه اسلام به طور سنتی بسیار پایین تر از تاریخچه اسلام گرایی در داغستان و چچن است.

جدول ۳

ارتباط شما با وهابیت چگونه است؟					
مثبت	نسبتا مثبت	نسبتا منفی	منفی	نمی دانم	
۲۰	۱۹	۲۲	۳۹	۰	کاباردینو-بالکار
۰	۹	۲۴	۶۲	۴	چچن
۸	۸	۲۱	۴۳	۲۰	اینگوش
۰	۰	۷	۹۰	۳	داغستان
۲۲	۲۰	۲۰	۳۴	۴	کاراچای-چرکس
۱۰	۱۱	۱۹	۵۴	۶	میانگین کلی

ارتباط مسلمانان با مسیحیان

وضعیت بسیار جالب در جواب های مخاطبان به پرسشی در خصوص ارتباطشان با سایر مذاهب به ویژه مسیحیت در منطقه قفقاز شمالی پدید آمد. در اینجا به وضوح درجه تحمل ساکنین محلی در ارتباط با اعضای مذاهب دیگر آشکار شده است. در خصوص ارتباط مثبت با مسیحیت ۸۲٪ در نظر خواهی داغستان ، ۴۸٪ در کاباردینو - بالکار و ۴۶٪ در کاراچای-چرکس رای داده اند و در چچن این تعداد به ۷٪ می رسد. بر اساس آمار اعلام شده در خصوص ارتباط منفی با مسیحیت ، در چچن تقریبا نیمی (۴۴٪) از این نظر سنجی را به خود اختصاص داده است یعنی به مراتب بیشتر از دیگر جمهوری های قفقاز شمالی. به طور کلی در قفقاز شمالی ،

ارتباط مثبت با مسیحیت ۳۹٪ از پاسخ ها را در نظر سنجی به خود اختصاص داده است که در مقابل کسانی که ارتباط منفی با مسیحیت دارند (۱۴٪) رقم قابل توجهی می باشد.

جدول ۴

ارتباط شما با مسیحیت چگونه است؟					
مثبت	نسبتا مثبت	نسبتا منفی	منفی	نمی دانم	
۴۸	۳۰	۱۰	۶	۶	کاباردینو-بالکار
۷	۲۰	۱۷	۴۴	۱۲	چچن
۱۴	۳۱	۲۰	۱۲	۲۳	اینگوش
۸۲	۱۸	۰	۰	۰	داغستان
۴۶	۳۰	۱۲	۸	۴	کاراچای-چرکس
۳۹	۲۶	۱۲	۱۴	۹	میانگین

سناریوی توسعه آینده شرایط در قفقاز شمالی به عوامل متعددی بستگی دارد. قبل از همه به توانایی مقامات فدرال و مذهبی که برنامه های جذاب و قابل فهم را به مردم پیشنهاد داده و اجرا کنند و همچنین قادر باشند اوضاع در منطقه را بدست گیرند و فعالیت های نظریه پردازان تندرو اسلام و رهبران امارات قفقاز را خنثی کنند. تعدادی از کارشناسان از جمله تمیروف، رئیس دانشکده روزنامه نگاری پراگ پیشنهاد می کند که در وضعیت ففدان سیاست روشن و کافی مرکز فدرال در قفقاز شمالی ، به تدریج " طرح فردای قفقاز" یعنی قفقاز بدون روسیه در حال وقوع است.

سایر کارشناسان صراحتاً با این نظر مخالفت می‌کنند و معتقدند " شواهد مستندی به نفع نسخه ای از تحولات تاریخی قانونی و کینه توزانه که روسیه و قفقاز شمالی را در جدایی از هم محکوم می‌کند، وجود ندارد." طرفداران این عقیده تاکید می‌کنند که علی‌رغم وجود یکسری از مشکلات " روسیه به عنوان خانه ای برای بسیاری از ملل قفقاز است، اتحادیه ای که نقش بسیار مهمی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشورها دارد. چند ملیتی در روسیه ، عزت و ثروت روسیه خواهد بود و سهم قفقاز را نمی‌توان نادیده گرفت."

هر دو این دیدگاه‌ها با داشتن شواهد محکم و تکیه بر استدلال‌های قوی ، درست می‌گویند. تحولات اجتماعی در قفقاز شمالی طی سال‌های آینده نشان می‌دهد که کدام یک از کارشناسان در این مناقشه حق دارند و آیا روسیه به عنوان خانه ای برای ملت‌های قفقاز باقی خواهد ماند یا خیر.

منبع: Caucasus Times ، پراگ ، ۱۶ آوریل ۲۰۱۱

مترجم : مهدیه تازی